ف، هیرمند

۲۰۱۶/۰۲/۰۸

جناب عبدالاحمد فیض!
ایجاد بی باوری به محکمۀ جزایی بین المللی
(آی سی سی) به دفاع از ظالم است و یا به دفاع از مظلوم

قسمت دوم و اخیر

...و آری در حالتی که جناب شان امکانات و زمینه های ممکن برای به محاکمه کشانی جنایت کاران متهم به جنایات علیه بشریت را رد و باطل می کنند و به جای آن امکانات و بدیل یا بدیل های دیگری که میسر و به دسترس باشد را نیز پیش رو نمی گذارند، نتیجه چنین خواهد شد که اوشان اصلاً با پروسۀ به محاکمه کشانی مجرمین موافق نیستند و یا بیشتربرای عدم تدویر این پروسه می اندیشند.
آنطور که جناب فیض نوشته اند دول سلطه جو و زورگوی دنیا اعم از ایالات متحدۀ امریکا، چین، کوریای شمالی، روسیۀ فدراتیف و... تقلا نموده اند تا خود را از قلمرو انفاذ مندرجات اساسنامۀ آی سی سی دور نگه دارند، موقف گیری عاری از علاقمندی امریکا، چین و دیگران مگر آی سی سی را "مرتجع، پوشالی و گوش به فرمان دولت ها " نشان میدهد؟؟ و یا غیر وابستگی آن را به دول قدرت مند دنیا؟؟ این خود دلیل مبرهنی بر این حقیقت است که آرمان وجود و حضور چنین یک محکمه ای آرمان مردم ستمدیده و مظلوم دنیا ست که نیت سلطه جویی و زورگویی را در برابر سایر انسان ها ندارند و این ارگان، حربۀ حق طلبی و وسیلۀ تحقق عدالت برای مظلوم ترین گروه های انسانی می باشد.
نوشتۀ جناب ایشان این مفهوم را در ذهن القاء می کند که گویا در هر سازمانی که امریکا شرکت نه کند، آن سازمان "پوشالی" ، " مرتجع " و " گوش به فرمان دولت ها" خواهد بود و اگر عکس آن را تصور کنیم از استدلال آقای فیض تناقض عریان برون خواهد شد، این عجب استدلالی است، باوجود مخالفت امریکا و دیگران در امضاء نمودن اساسنامۀ این محکمه، بازهم این ارگان پوشالی، ارتجاعی و گوش به فرمان دولت ها قلمداد می شود.
شاید به تصور آقای فیض، تخریب آی سی سی یک نوعی مبارزۀ " ضد امپریالیستی" را افاده کند، چنین استدلال و استنباطی به هر صورتی غیر قابل اثبات خواهد بود، دول سلطه جو و هژمونیست که سهم گیری در اساسنامۀ آی سی سی را مغایر زورگویی خود میدانند، مگر با چنین روشی آن محکمه را یک ارگان وابسته به خود تغییر ماهیت میدهند؟؟
اسناد حاکی از آن است که همین حالا وقایع جنایت بار مناقض حقوق بشری این دول زورگو و هژمونیست که در افغانستان و عراق و دیگر نقاط جهان مرتکب شده اند در محکمۀ آی سی سی در دوران و زیر رسیدگی است، مگر چگونه ممکن است، مجادله علیه این محکمه یک مبارزۀ "ضد امپریالیستی " تشخیص شود؟؟ دیده می شود که چنین استدلال ها پایه های چوبین دارند، نمی شود تخریب آی سی سی را رنگ "ضد امپریالیستی داد.
در عمل و در زندگی واقعی ایجاد بی باوری نسبت به محکمۀ جزایی بین المللی اثرات آتی را در بر خواهد داشت؛ به نفع روانی ظالم انجامیده و باعث ایجاد یأس و ناامیدی برای قربانی ها و بازماندگان آنان خواهد گردید، که گویا دیگر هرگز تحقق و اجرای عدا لت، به نفع آنان طی طریق نه خواهد کرد؟؟ چنین تبلیغی، چنین ایجاد بی باوریی نمی تواند در مسیر یک مبارزۀ تبلیغاتی علیه "امپریالیسم" درک و توجیه شود، این مبارزۀ تبلیغاتی در نهایت به ضرر و بر علیه خون های ناحق ریخته شده، بر ضد قربانیان جنایات مناقض حقوق بشری و قربانیان جنایات بین المللی خواهد انجامید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

وقتی در جهان مملو از تبهکار و مجرم که در برخی از کشور ها بر سر قدرت نیز اند و انگشت شمار دولی اند که متوقع بود، خود آنان به اجرای عدالت، بالای متهمین به جنایات بین المللی ضد بشری اقدام نمایند، در چنین حالتی هرگز نمی توان باور داشت که محکمهٔ جزایی بین المللی یک ارگان غیر ضروری و پاسیف بوده و فاقد توانایی های لازم تلقی شود. این تبلیغات و پروپاگند ها را یا رسانه های متعلق به افراطی های راست و چپ می نمایند و یا آنانی که به یک صورتی در به کنار گذاشتن محاکمهٔ متهمین به جنایات ضد بشری، ذینفع اند و به روش های مختلف در تقلای فراهم کردن جو و بسترمعافیت خود بخودی برای آنان می باشند.
نقش پیشگیرانه یا وقایوی آی سی سی را که از حضور و وجود این محکمه خیلی مشهود و متبارز است نباید نادیده گرفت، دنیای ما دیگر در آن مرحلهٔ تأریخی نیست که مثلاً شش هزار و یا ده هزار انسان بیگناه گم و نیست شوند و حاکمان مستبد و همفکران آنها وانمود کنند که این کشته شدگان اصلاً وجود نه داشته اند و یا کشتار های جمعی آنان و اعدام های شان به آنها مربوط نیست و یا چنین جنایاتی را با توجیهات و گردن شخی های ایدیولوژیک به مورد، مؤجه و صحیح وانمود کنند.
به سبب همین آثرات پیشگرانه است که تمام مسؤولین دول جهان در نحوهٔ حکومت گری شان خیلی محتاط اند تا مرتکب جرایم مندرج در اساسنامهٔ آی سی سی نگردند و حتی آنانی هم که مرتکب این جرایم می شوند سعی میکنند تا با مخفی کردن و یا توجیه آن با دروغ گویی، هراس شان را بپوشانند، چنین حالتی در گذشته ها معمول نبود، درگذشته های نه چندان دور - که شاید جناب شان به خاطر داشته باشند - حاکمیت های خود کامه حتی به کشتار و قلع و قمع مخالفان خود که گویا "ضد انقلابیون" و یا عکس آن "اغتشاش گران" را محوه نموده اند، افتخار میکردند، چنین حالتی امروز اقلاً از استثنائات شمرده می شود. آی سی سی به یک صورتی حاکمیت ها را در رعایت حقوق بشری شهروندان کشور های شان پاسخگو ساخته است.
وقتی وظایف کمیتهٔ نظارت از رعایت حقوق بشر، مربوط شورای حقوق بشر ملل متحد را نگاه کنیم به این حقایق و نقش فعال ارگان های حقوق بشری و ارگان های بین المللی حفاظت از این حقوق را به درستی درک کرده و خواهیم شناخت، که محکمهٔ جزایی بین المللی (آی سی سی) نیز شامل این ارگان ها می باشد.
آی سی سی، محصول اندیشهٔ مواظبت از تمام دستاورد های حقوق بشری تا آغاز قرن بیست و یک و تا امروز است، تمام ارزش ها و اصول انسانی مندرج در اعلامیه ها، میثاق ها، عهد نامه های بین المللی و سایر اسناد حقوقی است، که قواعد کاری آن محکمه را تشکیل میدهد و محکمه نه تنها متکی به آنها امور خود را اجرا میکند بلکه از آنها مواظبت می نماید و ناقضین آنها را مورد توبیخ قرار میدهد. دنیای ما امروز هر عمل حکمروایان را می بیند، بر این اعمال قضاوت میکند و در صورت لزوم مرتکبین آن را یا مورد تعقیب قرار خواهد داد و یا اقلاً در فهرست متهمین یادداشت خواهند نمود، این وابستگی آی سی سی به سیستم یا "نظام حقوق بشر" حاکی از آن است که: هر مخالفت خصمانه به وجود و حضور محکمهٔ جزایی بین المللی، مخالفت با تمام ارزش های حقوق بشری است، مخالفت با حفاظت و مواظبت از حقوق اساسی انسان ها ست و مخالفت با تأمین شرایط پاسخگو سازی حکمروایان، سیاسیون، نظامیان و ملیشه های مسلح، در حوزهٔ رعایت حقوق انسانی افراد و گروه های انسانی است . نمی دانم آقای فیض با کدام آگاهی های مسلکی حقوق، پرچم مخالفت با این محکمه را برافراشته اند؟؟
اگر خصومت با آی سی سی با ژرف نگری های تخصصی ارزیابی شود این خصومت، دشمنی با اصل تساوی انسان ها و تمام حقوق اساسی آدمی است که محکمه از رعایت آنها حساب می خواهد، مثل حق حیات، حق آزادی در اشتراک در امور عمومی سیاسی و حکومت داری و سایر حقوق بنیادی انسان ها.
نگاه ابتدایی به نوشتهٔ آقای فیض مبین است که مقاله با یک لحن روایتی تأریخی آغاز گردیده و به همان سبک تا اخیر به پیش میرود، گویا آن نوشته، تأریخ مختصر پیدایش محکمهٔ جزایی بین المللی باشد، در حالیکه برای توضیح و بیان موضوع اصلی مقاله که در عنوان تذکر یافته است نگاشتن تأریخ محکمهٔ مذکور تقریباً نقشی ندارد، حتی همین دید تأریخی نیزماهیت سیاسی و جانبدارانه دارد، اگر این محکمه به"عدم کار آیی" مصاب باشد و یا اگر "فقدان میکانیزم های عملی" باعث بیهودگی محکمه شده باشد، نگارش عریض و طویل تأریخچهٔ آن با یک دید تأریخ انگارانه وایدیولوژیک، نقش مستقیم و مشخص دراثبات و افادهٔ این عیوب محکمه نه خواهد داشت. این حالت آن نوشته، ما را به این حقیقت تلخ مواجه می سازد که جناب شان به جای دلیل آوری جهت اثبات ادعا های مانند " عدم کار آیی" و " فقدان میکانیزم های عملی" ، مقالهٔ شان را با مطالبی انباشته اند که با موضوع اصلی مطروحه پیوند مستقیم ندارد، و این روش، جای دلایل لازم و مورد بحث برای مدلل نمودن " عدم کار آیی!!" محکمه را خالی و ناگفته گذاشته است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

وقتی به مطالعهٔ نوشتهٔ جناب فیض آغاز می کنیم، چنین تصور به ما دست میدهد که گویا جناب ایشان در صدد بوده اند، تا با کار برد برچسپ هایی مانند "عدم کارایی" و " فقدان میکانیزم عملی"، بعضی از جهات، کار محکمهٔ جزایی بین المللی (آی سی سی) را مورد انتقاد قرار بدهند و در نهایت آن محکمه را به فعالیت های سازنده تر و سریعتر رهنمایی و ترغیب نمایند ولی ملاحظهٔ متن اصلی مقاله، بیهودگی این توقع ما را برملا میسازد.
دیدگاه نوشته متعلق به دوران جنگ سرد است تحولات اندیشگی که طی تقریباً 25 و 30 سال اخیر در جو سیاسی و آرایش نیرو های بین المللی به میان آمده در آن وجود ندارد، و نقش آن در رویداد های بین المللی، تحولات تأریخی و سهم سایر کشور ها در حوادث در نوشته انعکاسی نیافته است و در آن اثرگذاری دول روبه انکشاف و نقش آنها در تعیین سیاست های عمومی و نقش متخصصان آنها در ایجاد و فعال سازی پروسه های تأمین و اعادهٔ حقوق بشری تمام بشریت نادیده گرفته شده است، تحولات کیفی و صلاحیتی شورای امنیت ملل متحد بعد از پایان جنگ سرد، مخصوصاً در زمینهٔ توجه به "حقوق بین الملل بشر دوستانه" و تفسیر وسیع این حقوق حتی در داخل مرز های ملی کشور ها، نادیده گرفته شده است، صراحت و وضاحت در تأمین و اجرای صلاحیت های شورای امنیت این حالت را به وجود آورده است که دول در برخورد ایشان نسبت به حقوق بنیادی انسان های موجود در محدودهٔ مرز های ملی آنها با یک درجهٔ بلند مسؤولیت عمل نمایند، چنین فضا و بستری، بدون شک موقعیت و جایگاه صلاحیتی و اعتبار و توانایی آی سی سی را تقویه میکند
به دور رفتن از موضوع اصلی نوشته و مشغول شدن به مسیر ایدیولوژیک و سیاسیی که امروزه خاطره های تلخ یک مشی باسی، دل بد کننده و تأریخ زده را به مشام میرساند، مقالهٔ شان را به یک نوشتهٔ کلیشه یی سیاسی مبدل نموده است، که قادر نیست پاسخ اصلی پرسش های مطرح شده در نوشتهٔ جناب شان را ارائه کند. دنیای امروزی را در سایهٔ محصولات جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد و ریشهٔ هر رویداد را در نتایج تضاد جهان سوسیالیستی و کاپیتالیستی جست و جو نمودن است که نوشتهٔ متذکره، آنرا انتقال میدهد و از میان رفتن سوسیالیسم روسی که گویا "بزرگترین عواقب ناگوار!! آنرا کشور های سوسیالستی اروپای شرقی متحمل گردیده اند" مگر کدام عواقب و نتایج ناگوار برای ممالک اروپای شرقی؟؟
تا جای که رسانه ها معلومات میدهند، بعد از ازهمپاشیدن سوسیالیسم روسی، کشور های اروپای شرقی استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود شان را باز یافتند و تقریباً تمام این ممالک دموکراتیزه شدند ودر حال حاضر اکثر این کشور ها حکومات انتخابی دارند و در آنها احزاب مخالف و اپوزیسیون به طور قانونی فعالیت می کنند و مردمان شان آزادانه حق مسافرت پیدا کرده اند و دیگر مزایا و امتیازات کشور های مستقل را حایز گردیدند، من درست "عواقب ناگوار" ی را که جناب شان نام برده اند درک کرده نتوانستم.
این درست که سلطه جویی یک دولت زورگو در دنیا ممکن است نتایج نامطلوب و ویران کنی برای قسمتی از جهان به میان آورده باشد ولی این مسائل, موضوع اصلی نوشتهٔ شان نیست، تذکر این مسایل طور مستقیم در وضاحت موضوع اصلی مقاله کمکی نمی کند و بناءً طرح آن برون از موضوع اصلی مقاله است.
ارزیابی و شناخت کامل و واقعبینانه آی سی سی از ما میخواهد که موقعیت و موقف آنرا در شرایط کنونی تأریخی بین المللی در نظر بگیریم، ایجاد نهضت به محکمه کشانیی مرتکبین جنایات بین المللی (منجمله جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل کشی یا جینوسید، کشتارهای دسته جمعی و سایر جرایم مربوط به این دسته از جنایات) به طور مجموعی و در سطح جهانی، آرمانی است که در ردیف آرمان های حقوق بشری امروزی موقعیت دارد و مردمان ستمدیدهٔ تمام دنیا حامی این آرمان می باشند، همانطور که دولت های سلطه جو، مقتدر وزورگوی جهان منجمله ایالات متحدهٔ امریکا، علیه این آرمان قرار دارند و با ملحق نه شدن به موافقان اساسنامهٔ آی سی سی این مخالفت خود را با آرمان مورد نظر ابراز داشته اند، ولی عدم موافقت ایالات متحدهٔ امریکا با یک سازمان قضایی بین المللی تعیین کنندهٔ نقش انسانی، مؤثر و یا غیر مؤثر و یا نقش رشد یابنده و یا برعکس آن نه خواهد بود.
نام آی سی سی امروزه در ردیف مهمترین مؤسسات حقوق بشری قرار دارد، فکر رد، مخالفت و تخریب این ارگان، یا ریشه در دیدگاه های افراطی دارد، یا به حمایت از متهمین جنایات نامبرده صورت میگیرد و یا سیاست دول زورگوی زمان ما را حمایت می نماید.
اگردشنام ها و اهانت های که در مقالهٔ جناب فیض نثار "آی سی سی" شده است، یک به یک ارزیابی شوند، دیده خواهد شد که کدام یک آنها به آن محکمه چسپ دارد؛
کلمات به کار رفتهٔ آقای فیض چه مفاهیمی را احتواء میکنند:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

- پوشالی : به معنی ضعیف و یا به معنی سیاسی آن دولت کوچک و بی صلاحیت میان دو دولت قوی، دولت دست نشانده، این ادعا در مورد آی سی سی نهایت واهی و خنده دار است، چطور ممکن است که دول زورگو در آن سهم و حصه ای نداشته باشند ولی این محکمه پوشالی باشد.
- پاسیف : غیر فعال، راکد : زمانی و در حالتی می توانست این محکمه پاسیف اعلام شود که فجایع دول زورگو را تحت رسیدگی قرار نمی داد که چنین نیست.
- ارتجاعی: رجعت پسندی، عقب گرایی که فاعل آن "مرتجع" میگردد مگر ممکن است که مهمترین و نوین ترین ارگان مواظبت از رعایت حقوق بشری را " ارتجاعی" خطاب نمود؟ معلوم می شود که مفاهیم کلمات نزد آقای فیض طور دیگری ضبط اند
- گوش به فرمان دولت ها:
- نظاره گر: تماشاگر، سیل بین

تبصرهٔ بیشتر من در بارهٔ استعمال لغات فوق چنین است که، انعکاس دادن "عدم کارآیی" و " فقدان میکانیزم های عملی" یک محکمه، با کاربرد چنین دشنام های مورد ندارد که این اهانت ها را به سر و روی محکمه بریزیم ، بلکه کمی خنده دار هم است. اگر اطلاق این دشنام ها را ساده سازی کنیم، موضوع چنین می شود : محکمهٔ آی سی سی فاقد کارآیی است، پس پوشالی، ارتجاعی، گوش به فرمان دولت ها و تماشاگر است!! آیا چنین مفهومی زیاد عقلایی به نظر میرسد؟؟

و یا آی سی سی فاقد میکانیزم عملی کاری می باشد پس پوشالی! ، مرتجع! ، گوش به فرمان دولت ها! و تماشاگر است!! آیا این ترکیب کلمات سیاسی و ادعا های طرح شدهٔ آقای فیض عقلانیت کافی را حایز اند؟؟

استعمال چنین کلمات موهن و شعاری – مخصوصاً اصطلاحات تظاهرات دوران جنگ سرد - خود، نوشتهٔ آقای فیض را ازچوکات حقوقی بودن آن خارج میکند، زیرا وقتی پای استدلال اصولی در میان می آید، اهل یک سلک، مدعیات، مسلکی اش را با استدلال و منطق و دلایل علمی و مسلکی به کرسی می نشاند، نه آنکه با استفاده از کلمات اهانت آمیز طرف را متقاعد به " عدم کار آیی" و "فاقد میکانیزم های عملی" بسازد، طریقهٔ آقای فیض یک شیوهٔ سیاسیی دلیل آوری است، و نه یک شیوهٔ معتبر مسلکی.

کاربرد الفاظ "پوشالی، پاسیف، ارتجاعی، گوش به فرمان دولت ها و نظاره گر" از قول یک شخصی که مدعی حقوقدان بودن است، به حیث دشنام و اهانت به محکمهٔ جزایی بین المللی که در تلاش و مساعیی به محکمه کشانیی خونریز ترین عناصر جامعهٔ بشری می باشد، چقدر، مناسب، با مورد و مطلوب خواهد بود؟؟

اگرآقای فیض از اعمال مجرمانه آگایی دارند، باید مطلع می بودند که توهین و دشنام به آی سی سی یک تخلف و جرم نیز شناخته شده است، این فعل "تظلیل قضاء" هم در قانون جزای افغانستان و هم در اساسنامهٔ محکمهٔ جزایی بین المللی (آی سی سی) توصیف جرمی داشته و جرم اعلام شده است.

مادهٔ هفتاد، فقرهٔ 4 بند الف اساسنامهٔ " آی سی سی " دراین مورد اذهان دارد که: « الف: هر یک از کشورهای عضو موظفند آن بخش از قوانین کیفری خود که درباره **مجازات تخلفات علیه شرافت مراحل تحقیقاتی یا قضایی داخلی می باشد را به گونه‌ای بسط دهند که شامل تخلفات علیه اجرای عدالت به شرحی که در این ماده مذکور گردیده و درقلمرو آن کشور یا توسط یکی از اتباع آن ارتکاب یافته نیز گردد.**»؛

و مادهٔ 374 قانون جزای افغانستان تصریح میکند که: «شخصی که به قصد تظلیل قضاء حالت، اشخاص، اماکن یا اشیاء را تغییر بدهد یا ادلهٔ جرم را پنهان نماید و یا معلومات کاذب متعلق به جرم را با وجود علم به عدم صحت آن تقدیم نماید به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم میگردد.»

گیریم این اهانت ها و "ایجاد بی باوری به محکمهٔ آی سی سی " اگر جرم هم نمی بود، از نگاه اخلاقی توهین به آی سی سی و کاربرد الفاظ نامناسب، تصغیرکننده و موهِن به آن محکمه، لا اقل یک حرکت غیر اخلاقی و خلاف تمایل شریفانهٔ اکثر مردم جهان و حقوقدانانی می باشد که برای تعقیب و به محاکمه کشانی متهمین به جنایات بین المللی از کار و پیکار این محکمه حمایه نموده و به آن چشم امید دوخته اند..

در نوشتهٔ جناب فیض اصطلاحات حقوقی هم به صورت مناسب و با املای معمول نزد حقوق دانان، تحریر نه شده و به کار نه رفته است به گونهٔ مثال به اصطلاحات آتی نگاه میکنیم:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

1 - " میثاق های جهانی" !؟ در قلمرو حقوق تعهدات بین المللی، میثاق یا میثاق های جهانی اصلاً وجود ندارد، تمام میثاق ها، یا بین المللی اند یا قاره یی، فرا گیرترین میثاق ها، "میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" است، که محتوای این میثاق نزد اروپایی ها بنام میثاق " اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی" به شیوهٔ اروپایی گردآوری گردیده است، نزد باشندگان امریکا در "میثاق امریکایی حقوق بشر" و نزد افریقایی ها در میثاق ایشان به نام "میثاق افریقایی حقوق بشر" درج و ثبت شده است. پس کاربرد اصطلاحی که اصلاً وجود ندارد، از یک آگاهی مسلکی همه جانبه نمی آید.
2 - ما در علم حقوق، اصطلاحی به نام "حقوق بین المللی!؟ " نداریم، آنچه به حقوق فرا ملی تعلق میگیرد، زیر عنوان "حقوق بین الملل " شناخته می شوند.
3 - بناءً "حقوق بین المللی بشر دوستانه" هم نا مناسب است زیرا این حقوق بنام " حقوق بین الملل بشردوستانه" مسمی می باشد.
درک ناصحیح اصطلاحات، رشتهٔ حقوق و کاربرد نا صحیح آن، که اساساً سهوی نمی باشد، بدون شک بیانگر سطح تبحر به کارگیرندهٔ آنرا می رساند، این طرز افاده، به خوبی حد صالح بودن شخص را در امر مطروحه نیز برملا میسازد. افاده های سیاسی و غیر تخصصی مانند " میکانیزم های عملی" نشان دهندهٔ این حقیقت تلخ است که نام "اصول محاکمات جزایی" و یا " اجرات جزایی " و یا "اصول رسیدگی" در این مورد نزد نگارندهٔ محترم فرصت قابل کاربردی نیافته اند و این عدم تشخیص، با اصطلاح و لغت پرانی نوشتاری "میکانیزم های عملی" پنهان گردیده است.
استعمال مکرر مصطلحات حقوقی به صورت نادرست، غیر معمول و نامناسب بدون شک اعتبار آگاهی هایی تخصصی استعمال کنندهٔ آنرا زیر سوال برده و خیلی ضعیف می سازد.

اگر فکر مبارزه علیه آی سی سی را در مسایل و فجایع کشور خود ما افغانستان زخمی رنگ ملی بدهیم، نتیجه آن خواهد شد که این مفکوره بر علیه جنبش " داد خواهی برای اجرای عدالت انتقالی " قرار میگیرد و این موقف گیری، جفای بزرگی نه تنها به خون های ریخته شدهٔ هزاران هموطن بی گناه ما بوده، بلکه مخالفت و جفای جدی در برابر نهضت عدالت خواهی بر علیه مناقضین حقوق بشری هزاران انسان زمان ما و به حمایت از قاتلان آنان می باشد.
برای ما افغان های خارج نشین، شایسته و مناسب نخواهد بود، خود را در برابر خواست اکثریت مردم ستمدیدهٔ ما که خواهان اجرای عدالت انتقالی اند، قرار دهیم، اتخاذ مواضع سوای موقف مردم شریف افغانستان، ما را بیش از پیش در بستر فارغ ازدرد های واقعی هموطنان ما خواهد انداخت.

قابل توضیح است که مردم ستمدیدهٔ ما از بیش از یک دهه است که مجال فریاد زدن برای تطبیق عدالت انتقالی را پیدا کرده اند، یکی از مراجع بین المللی که در تحقق این آرمان مردم ما مد نظر است، همین آی سی سی می باشد، نهادهای مدنی، حقوق بشری و اجتماعی در وطن ما برای عدالت خواهی خون های ریخته شدهٔ میلیون ها هموطن بیگناه ما به همکاری و یا فراهم سازی زمینه های مقدمات تعقیب مجرمین جنایات ضد بشری، توسط آن محکمه امیدوارند.
ایجاد بی باوری نسبت به آی سی سی پشت پا زدن به این آرمان مردم رنجدیدهٔ ما بوده و به نحوی حمایت از قاتلین میلیون ها کشته را فراهم خواهد کرد.
حس می شود که همزمانی آغاز کار آی سی سی در افغانستان و نشر مقالهٔ جناب عبدالاحمد فیض در رد و بی اعتبار سازی محکمهٔ جزایی بین المللی آنقدر ها هم تصادفی نه بوده باشد.
در اخیر قابل یادآوری میدانم که راه های به محاکمه کشانیی متهمین به جنایات مناقض حقوق بشری و جنایات بین المللی، به کار و پیکار آی سی سی محدود نبوده و برای تحقق این مأمول اقلاً طرق آتی مورد استفاده قرار گرفته می تواند:
اول: دولت های مردم سالار، بدون مقاصد سیاسی و انتقامجویی سیاسی از رقبای خود، بنابر درخواست مردمش و احقاق عدالت، متهمین به ارتکاب جنایات بزرگ ضد بشری و بین المللی را به طریق اصولی و با رعایت کامل

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

حقوق بشری آنان طبق قوانین نافذه ای که حایز اصول انسانی باشد مورد محاکمه و تعقیب قرار بدهند. این امکان و چنین یک فرصت محاکمه برای قربانیان و بازماندگان آنان و نیز متهمان مربوط، خیلی و خیلی ایده آل است که ندرتاً میسر خواهد بود.

دوم: محکمۀ آی سی سی (محکمۀ جزایی بین المللی) است که متهمان را به محاکمه بکشاند و این محکمه در صورت امکان و رعایت اصول حقوقی، مجازات ها را بر طبق قوانین جزایی کشورهای موضوع رویداد ها، حکم نماید، فعال گردیدن روز تا روز آی سی سی، به صورت تدریجی، فرهنگ به محاکمه کشانی متهمان را میان ملل جهان، در برون از مرز های ملیی شان ترویج و توسعه میدهد، این محکمه به طور عمده به دنبال محاکمۀ آن متهمانی میرود که در قلمرو های ملی شان یا حاکمیت های حامی این متهمان در قدرت بوده، یا خود حاکمان نیز در جنایات تحت تعقیب، شریک اند، یا ضعف حاکمیت ها، وجود ارادۀ تعقیب آن متهمان را مانع می شود و یا متهمان در جامعه چنان قدرت مستبدانه دارند که مردم را گروگان خود ساخته و یارای داد خواهی را در آن ها خفه کرده اند و یا تعدادی از متهمان درجه اول آن جنایات، از قلمرو های ملی فرار کرده و در کنج و کنار دنیا آرام و بی سر و صدا به زندگی خود ادامه میدهند، ولی هرگز این مجرمان تبرئه ومعاف نیستند.

سوم : محاکم خاص، بیطرف و استثنایی فرا ملی در حوزۀ سازمان های بین المللی برای به محاکمه کشانی این جنایت کاران، تاسیس و اساسنامه های مختص به خود این محاکم طرح و تصویب شود و با کار شفاف و بیطرفانۀ خود این آرمان حق طلبانۀ مردم ما وحقوق سایر مردم جهان را تحقق بخشد که سازمان ملل متحد وحقوقدانان شریف سراسر دنیا در این زمینه تجربه های موفقی در اختیار دارند.

مردم ما و بازماندگان قربانیان جنایات شنیع و ضد حقوق بشری ارتکابیی تقریباً 38 سال اخیر در کشور ما از تمام سازمان های اجتماعی و خیر خواه، تحصیلکرده ها، روشنفکران، فعالان مدنی و اجتماعی، دانشمندان، علمای کرام، روحانیون شریف، حقوقدانان و سایر دست اندر کاران مدافعین انسان و سازمان های مدافع حقوق بشری توقع و امید دارند، که هرگز و هرگز عَلَم و درفش مجادلۀ «دادخواهی برای اجرای عدالت انتقالی و اجرای عدالت بالای متهمان به ارتکاب جنایات علیه بشریت را فرو نه گذارند و هرگونه تقلای آگاهانه و نا آگاهانه مبنی بر تضعیف و تخطئۀ این مبارزۀ عظیم انسانی ملی را جلوگیری نموده و نه گذارند که خون های ریخته شدۀ هموطنان معصوم و بیگناه ما به فراموشی سپرده شده و ابزار های تعقیب متهمان آن جنایات، بی اعتبار اعلام شود، انسان و انسانیت امروزی به تحقق عدالت باورمند است و هرگز به موسسات همکار در این مسیر بی باور نمی شود، اجرای عدالت آرمان شریفانه و انسانیی انسان کنونی است و اجرا می شود . انشاء الله.

پایان

مأخذ :

1 - منشور سازمان ملل متحد
2 - اساسنامۀ محکمۀ جزایی بین المللی (آی سی سی)
3 - محاکمۀ جنایتکاران جنگ در افغانستان از دوکتور عثمان روستار تره کی
4 - هشت صبح
5 - لوموند دیپلوماتیک
6 - WEB DE CPI
7- «صدای مردم برای تأمین عدالت» نشر کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
8 - یادداشت های دیگر پیرامون موضوع

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ